

مصاحبه با بنیانگذار شمشیربازی نصف جهان

وبلاگ دنیای پر رمز و راز شمشیربازی

۱۳۹۹/۵/۷

شمشیربازی ایران از بدو راه اندازی در طی ۸ دهه خود شاهد چهره های درخشان فراوانی بوده است که تاریخ شگفت انگیزی را برای این رشته مفرح رقم زده اند. در بین این شخصیت ها افرادی بودند که در عین داشتن سابقه قابل تامل قهرمانی بنیان گذار این ورزش در سایر استان ها نیز شده اند و شمشیربازی استان ها و کشور مدیون تلاش های بی شائبه و بی دریغ این چهره های ماندگار می باشد. یکی از این افتخار آفرینان که پس از سال ها تلاش بی وقفه، پذیرش رنج ها و مرارت ها و قبول سختی ها و زحمات فراوان باعث پایه گذاری شمشیربازی در اصفهان شده و موجب ظهور یک نسل قهرمان پرور در آن خطه شده است، استاد **صادق طیبی** می باشد. اعتلا و درخشش شمشیربازی اصفهان در کشور، آسیا و جهان مدیون تلاش های خستگی ناپذیر، عشق و شیدایی این چهره ورزشی نسبت به خدمتگزاری به جامعه شمشیربازی کشور بوده و هست. **وبلاگ دنیای پر رمز و راز شمشیربازی** افتخار دارد که در یکی از مصاحبه های خود میزبان این ابرمرد زحمتکش باشد. ما به شدت قدردان جدیت، پشتکار، شیدایی، تواضع و فروتنی این پیشکسوت هستیم با این امید که نسل جدید شمشیربازی بتواند از سرگذشت این عزیزان الگو برداشته و آنها را در دوره قهرمانی خود سرمشق قرار داده و شمشیربازی ایران عزیز را بیش از پیش به قله های افتخار و سرافرازی سوق دهند.



مصاحبه با استاد صادق طیبی

استاد گرامی لطفا خودتان را برای خوانندگان ما معرفی فرمایید؟

بنده صادق طیبی هستم، در سال ۱۳۱۵ در تهران متولد شدم.

چرا شمشیربازی را انتخاب کردید و نظرتان در مورد آن چیست؟

دلیل بنده برای انتخاب شمشیربازی یکی از دوستان به نام مرحوم **عباس افضلی** بود که ایشان عاشق هنرپیشگی بود. و از آنجایی که یکی از آموزش های اصلی هنرپیشه های در آن زمان شمشیربازی بود، بنابراین ایشان در بین سایر کلاس های هنری به دنبال کلاس شمشیربازی برای آموزش می گشت. ایشان پس از مدت ها گشتن بالاخره کلاس شمشیربازی مربوط به فدراسیون را یافت.

در چه سنی شمشیربازی را شروع کردید و در کجا؟

تا جایی که ذهنم یاری می کند من شمشیربازی را در سال های ۱۳۳۵ یا ۱۳۳۶ شروع کردم. در آن زمان در خیابان کاخ (فلسطین امروزی) باشگاهی بود به نام کلوپ ایران که یک زیرزمین بزرگی داشت که با اجازه صاحب آن باشگاه در آنجا شمشیربازی راه اندازی شده بود.

اگر امکان داشته باشد کمی بیشتر در مورد اوضاع شمشیربازی آن زمان برای ما توضیح دهید.

ما قبل از اینکه به این کلاس برویم در باشگاه تهران واقع در خیابان شاهپور نیز اعلام شده بود که آموزش شمشیربازی انجام می شود. ما با مراجعه به آن باشگاه با استادی، که متأسفانه نام شان به خاطر ندارم، معرفی شدیم که شمشیربازی آرتیستی آموزش می داد. ما آموزش خودمان را با ایشان آغاز کردیم. چند شبی که گذشت شخصی به نام آقای مقدادی که دانشجوی دانشکده پزشکی بود، نزد ما آمد. ایشان عنوان کردند که شمشیربازی این نیست! ما هم با تعجب پرسیدیم که شمشیربازی چیست! البته قبل از جریان ۲۸ مرداد یک مربی ایتالیایی به نام آقای مارادزی توسط آقای مهندس نیرنوری، رئیس فدراسیون وقت، استخدام شده بود. ایشان در تهران چند شاگرد داشتند و یکی از شاگردان او آقای مقدادی بود. سپس به سبب اوضاع بد اقتصادی و عدم پرداخت حقوق این مربی، ایشان ایران را ترک کردند و شمشیربازی تعطیل شد.

پس از جریانان ۲۸ مرداد مهندس نیرنوری، که رئیس فدراسیون بود، شخصی را به نام هوشمند الماسی که نظامی بود انتخاب و پس از گرفتن مرخصی ایشان را به مدت یک سال برای گذراندن دوره مربیگری به ایتالیا اعزام کرد. ضمناً به ایشان سپردند که یک مربی خوب نیز در آنجا پیدا کند تا او را برای مربیگری به ایران دعوت کنند. در اواسط دوره مربیگری ایشان شخصی به نام **آنیلو پاساریلو**، که خیلی هم با تجربه بود، به فدراسیون معرفی کردند. پس اینکه ایشان به مدت یکی دو ماه در فدراسیون شروع به آموزش کرده بود، ما رفتیم خدمت ایشان.



جنابعالی در کدام سلاح فعالیت داشتید؟

من در اسلحه های فلوره و اپه فعالیت داشتم.

اولین مربی شما چه کسی بود؟

در واقع علت اصلی انتخاب شمشیربازی من علاقه مرحوم عباس افضلی به هنرپیشگی بود. ما هر دو باهم تمرین خود را آغاز کردیم و در یکی دو جلسه اول شخصی به نام **دکتر بصیر**، که خدا رحمتشون کند و آدم بسیار با صفايي بود، به ما درس دادند. پس از آن بود که استاد آنیلو از ما

برای درس دادن دعوت کرد. دلیل ایشان فرم بدنی ما که مناسب شمشیربازی بود. به این ترتیب بود که آموزش ما با این استاد شروع شد و به مدت ۱۱ سال شاگرد ایشان بودیم. و در تمام مدتی که ایشان در ایران بودند ما شاگرد ایشان بودیم.

در صورتی که به گذشته برگردیم، آیا دوباره شمشیربازی را انتخاب می کنید؟

بله حتما.

چند مدال و مقام تا به حال کسب کرده اید؟

تعداد دقیق مدال ها که خاطر من نیست ولی بری ۳ سال قهرمان کشور بودم. ضمن اینکه کاپ های متعددی نظیر کاپ دکتر بصیر، کاپ شاهپور غلامرضا،.... را کسب کردم.

دوره قهرمانی شما تا چه سالی بود؟

در سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ من به مرحله قهرمانی رسیدم، که به مدت ۳ سال قهرمان کشور در یکی از رشته های شمشیربازی بودم. همان طوری که می دانید شمشیربازی از ۳ رشته تشکیل می شود، سابر، فلوره و ایه. و من تا سال ۱۳۴۳ در یکی از این رشته ها قهرمان شدم. اما به سبب اعزام های مکرر به خارج از کشور داشتم و وقفه هایی که در تمرینات فردی خودم به وجود آمد، باعث شد که از پروسه قهرمانی عقب بمانم، و لی در تیم ارتش ایران جهت شرکت در مسابقات ارتش های جهان که به نام سیزم معروف بود، بطور مرتب عضویت داشتم.

در سال ۱۹۷۰ تیم شمشیربازی ایران برای شرکت در مسابقات جهانی ارتش های جهان به ایتالیا و شهر گرسو عزیمت کرد که بنده هم جزو همین تیم بودم. در سال ۱۹۷۱ قبل از مسابقات سیزم از تیم ارتش شوروی دعوتی به عمل آمده بود و با آمدن این تیم به ایران و انجام مسابقه، این تیم از ما دعوت کرد که برای گذراندن یک اردو به شوروی برویم. رئیس فدراسیون وقت پیشنهاد کرد که این دعوت ۱۵ روز قبل از مسابقات قهرمانی ارتش های جهان که در سوئد برگزار می شد، انجام شود. تا بتوانیم پس یک اردوی آموزشی تمرینی همراه با تیم شوروی به این مسابقات عزیمت کنیم. بنابراین ما طبق این برنامه به مسکو عزیمت کردیم و ۱۲ الی ۱۳ روز در مسکو بودیم و سپس برای رفع خستگی به سن پترزبورگ عزیمت کردیم و پس از ۲ الی ۳ روز از آنجا به شهر مارمون سوئد رفتیم. مسابقات در این شهر به مدت یک هفته طول کشید پس از پایان مسابقات از طریق کینهاگن و پاریس که در هر کدام ۲ الی ۳ شب اقامت داشتیم به تهران بازگشتیم.

این شمه ای بود از مشارکت بنده در مسابقات بعنوان بازیکن بود.



در چند مسابقات جهانی و بین المللی به عنوان بازیکن شرکت کرده اید؟

اولین مسابقه خارجی که من بعنوان بازیکن در آن شرکت کردم تورنمنت بین المللی بیروت بود که در سال ۱۹۶۱ اتفاق افتاد. این مسابقات مربوط به کشورهای حاشیه مدیترانه و در رشته ایه بود، و قرار بود که ۲ نفر از ایران برای اعزام به این مسابقات انتخاب شوند، که من و مرحوم الماسی انتخاب و اعزام شدیم. نتیجه این مسابقات زیاد بد نبود و وقتی به ایران برگشتیم ریاست فدراسیون از نتیجه کسب شده بسیار راضی بودند. بنابراین در همان سال که قرار بود مسابقات قهرمانی جهان در تورینوی ایتالیا برگزار گردد، یک تیم ۴ نفره از ایران انتخاب شد که من یکی از این ۴ نفر بودم. این مسابقات به مدت ۱۵ روز در ایتالیا به درازا کشید.

مجددا در سال ۱۹۶۲ دعوتنامه ای برای شرکت در مسابقات بیروت به ایران رسید، که این بار ۳ بازیکن انتخاب و به مربیگری آنیلو پاساریلو و سرپرستی آقای نیرنوری به لبنان عزیمت کردیم. این بار هم نتیجه بد نبود.

در صورت امکان بازیکنان هم دوران خود را نام ببرید؟

از بازیکنان هم دوره خودم می توانم آقایان هوشمند الماسی، شاپور زرنگار، اسفندیار زرنگار، بیژن زرنگار، ناصر مدنی، عبدالرضا رادپی، حنیف نیا، نوری زاده را نام ببرم، اما تعدادی دیگر نیز بودند که نام آنها را به خاطر ندارم.

در چه سالی شما به اصفهان عزیمت کردید؟

در سال ۱۳۴۳ و تقریباً نزدیک موعد همین مسابقات بود که من از طرف اداره خودم ماموریت گرفتم که جهت طی دوره ای به آمریکا عزیمت کنم. پس از اتمام دوره و برگشت به ایران از طرف ارتش مرا به اصفهان منتقل کردند. و من در دیماه سال ۱۳۴۲ وارد اصفهان شدم.

در اصفهان شخصی به نام آقای ملکوتی معرفی شدند که شخصی فرهیخته، تحصیل کرده فرانسه، استاد دانشگاه و بازنشسته فرهنگی بودند. از من خواسته شد که نزد ایشان بروم تا همکاری های لازم برای راه اندازی شمشیربازی انجام دهند. ارتباط من با ایشان خیلی تاثیر گذار بود و بحث ما بیشتر در زمینه نحوه راه اندازی هیئت شمشیربازی اصفهان بود. بدین ترتیب بود که این هیئت در فروردین ۱۳۴۳ تشکیل شد و از آن روز فعالیت من در اصفهان آغاز گردید.



لطفا در مورد نحوه راه اندازی هیئت شمشیربازی اصفهان با توجه به شرایط روز توضیح بفرمایید.

در آن زمان باشگاهی بود به نام باشگاه شاهین که صاحب آن به ما اجازه دادند تا در زمین تنیس کلاس های شمشیربازی خودمان را دایر کنیم. یک اطلاعیه برای علاقمندان زده شد و تنها یک نفر به نام پیروز آدمیت مراجعه کرد. من آموزش شمشیربازی را با ایشان آغاز کردم. بدین ترتیب بود که بنده از سال ۱۳۴۳ در ورزش دو شغله شدم، هم عضو تیمی ملی و هم مربی تیم اصفهان بودم. و هر زمانی که مسابقه ای داشتیم همراه با تیم اعزام می شدم و در سایر اوقات در اصفهان مشغول مربیگری بودم. اما اکثر اوقات من در اصفهان می گذشت.

البته گاهی اوقات ماموریت هایی از طرف اداره به من واگذار می شد که باید اعزام می شدم. مجدداً پس از اولین بار که در ۱۹۶۳ بود برای بار دوم سال ۱۹۶۸ و سومین بار در سال ۱۹۷۲ به آمریکا اعزام شدم. و دوره آموزش ما هر بار ۵ الی ۶ ماه طول می کشید. پس از استقرار دائم در ایران افراد دیگری برای ثبت نام مراجعه کردند و با همت آقای ملکوتی مذاکره ای انجام شد تا آمفی تئاتر یک مدرسه هفته ای ۲ یا ۳ روز به مدت ۳ الی ۴ ساعت در اختیار ما گذاشته شود، زیرا زمین خاکی تنیس باشگاه شاهین برای آموزش ما مناسب نبود. و خودمان پیست شمشیربازی را هر روز پهن می کردیم و جمع می کردیم.



یکی از مشکلات ما تهیه وسایل بود، زیرا در مرحله اول هیچ کدام از وسایل شمشیربازی در ایران ساخته نمی شد، دوما گران بود، و سوماً بودجه نبود. لذا در مظیفه شدیدی از نظر وسیله بودیم. البته گهگاهی کمک هایی از طرف فدراسیون به ما می شد، اما کافی نبود. تا اینکه یکی دو سالی گذشت و بازیکنان اصفهان، هم دختر و هم پسر، کمی جان گرفتند که یکی از مقامات بلند پایه ورزشی کشور آن زمان به اصفهان آمدند. و یک برنامه نمایشی برای ایشان تدارک دیده شد که ۱۰ دقیقه آن شمشیربازی بود. ایشان که برنامه شمشیربازی ملاحظه کردند و در مراسم تجلیلی که قرار بود از من قدردانی شود و به ما کاپی بدهند ایشان با بنده در مورد برنامه کاری هیئت ما شروع به صحبت کردند. از من سوال کردند که چه موقع به اصفهان آمده بودم و از احوال و اوضاع من و شمشیربازی پرسید که مورد تعجب همه زعمای قوم اصفهان قرار گرفت. سپس به مسئولین وقت اصفهان رو کرد، که رئیس فرهنگ، استاندار، فرمانده لشکر اصفهان و رئیس تربیت بدنی در جمع آنها بودند و گفتند که این ورزش شمشیربازی ورزش مورد علاقه من هست و آن را خیلی دوست دارم. ضمن اینکه شما یک شخص بسیار مناسبی برای آموزش شمشیربازی نیز دعوت کرده اید. از کم و کسری ما پرسیدند که من گفتم وسیله! آنگاه از مسئولین خواستند که هرچه زودتر نیازهای ما را تامین کنند.

بعد از ظهر همان روز که ما صورت وسایل را تهیه کردیم، بلافاصله دستور تهیه آن وسایل به آلمان داده شد و خیلی زود آنها را تحویل گرفتیم و دست و بال مان کمی بازتر شد. که در نتیجه تعداد بیشتری بازیکن جذب و تمرینات ما بیشتر گردید و پیشرفت ما کم کم بهتر شد. اوضاع به همین ترتیب ادامه پیدا کرد و بچه های اصفهان از آن زمان به بعد در کشور مطرح شدند و شروع به کسب مقام کردند. تا جایی که دختری به نام گیتی محبان ۷ سال متوالی در رشته فلوره قهرمان کشور شد. در حال حاضر ایشان در یکی از دانشگاه های واشنگتن به تدریس اشتغال دارد.

خلاصه اینکه تیم اصفهان با شرایط خاصی که در راه اندازی داشت به جایی رسید که تا پس از پیروزی انقلاب یکه تاز میدان بود. برخی اوقات بعد از تهران و گاهی قبل از تهران روی سکو قرار می گرفت و نقش مهمی در شمشیربازی ایران داشت.

چند نفر از قهرمانانی که شما پرورش داده اید را معرفی کنید؟

در کنار گیتی محبان، در بخش آقایان آقای پیروز آدمیت ۷ تا ۸ سال در رشتهٔ ایه قهرمان بلامنازع کشور بود. ایشان هم در حال حاضر در فرانسه زندگی می کند. بچه های اصفهان یکی بهتر از دیگری شدند تا جایی که مسابقات آسیایی تهران شروع شد. در این مسابقات در بخش بانوان دو بازیکن به نام مریم آچاک و گیتی محبان که عضو تیم انتخابی شدند، اصفهانی بودند. در بخش آقایان نیز دو بازیکن اصفهانی انتخاب شدند، کیومرث طلوعی در فلوره و پیروز آدمیت در ایه. بازیکنان زیاد دیگری هم بودند که از بین دخترها شهرزاد کازرونی، سهیلا کازرونی و چندین خانم دیگر که اسم آنها به خاطر نمی آورم. در بخش پسرها سیاوش طلوعی، بهرام شفیعی و تعداد بازیکن زیاد دیگر نیز بودند. البته توجه داشته باشید که همهٔ این بازیکنان با من کار می کردند. یعنی اینکه اصفهان یک مربی داشت و این همه شاگرد. در صورتی که یک مربی در شمشیربازی در روز بیشتر از ۳ الی ۴ بازیکن نمی تواند درس بدهد.



در مسابقات آسیایی اولین تیمی که از ایران مدال طلا را گرفت تیم شمشیربازی بود، که خانم ها آچاک و محبان که به مدال طلا نائل شدند از شاگردان من بودند.



بعد از انقلاب چه اتفاقی برای شمشیربازی اصفهان و ایران رخ داد؟

در ابتدای انقلاب متأسفانه به سبب تعطیل کردن فدراسیون شمشیربازی فعالیت کلیه هیئت های استانی متوقف شد. اما پس از یک وقفه ۱۰ ساله به همت بازیکنان قدیمی، فدراسیون دوباره بازگشایی شد. در این فاصله من در سال ۱۳۶۰ که فدراسیون بسته بود از اصفهان بازنشسته شدم و به تهران آمدم. پس راه اندازی مجدد فدراسیون همه دور هم جمع شدیم و پس از آن همه سال که از کوران شمشیربازی دنیا دور شده بودیم، تصمیم گرفته شد که بازیکنان قدیمی را دور هم جمع کنیم و تیمی را برای شرکت در مسابقات قهرمانی جهان فرانسه اعزام کنیم تا خودمان را بسنجیم و ببینیم که در کجای شمشیربازی جهان قرار داریم. بنده در این اعزام مربی تیم بودم.

در آن زمان شخصی به نام مهندس رحیمی رئیس فدراسیون شده بود که مرد بسیار درست و فعال بود ولی فاقد اطلاعات شمشیربازی بود. در آنجا متوجه شدیم که وضع آنچنان تعریفی ندارد. بچه های ما پیر شده بودند و از نظر سنی از گردونه مسابقات خارج هستند و بدن آنها جواب نمی دهد. لذا برنامه جدیدی برای تمرینات راه اندازی کردیم. از آن زمان بنده در تهران بوم و بطور رسمی هیچ مسئولیتی نداشتم ولی گهگاهی می رفتم و چند نفر را تمرین می دادم.

البته جای خوشحالی است که شاگردان اصفهان بنده در حال حاضر بعنوان مربی فعال هستند، از جمله گیتی محبان در آمریکا، کیومرث طلوعی در بخش آقایان و مریم آچاک در بخش بانوان در اصفهان مشغول به تربیت بازیکنان هستند. ضمن اینکه برخی از آنها مسئولیت هیئت را به عهده گرفته اند و سالن بسیار زیبایی را ساختند و خیلی فعال هستند و خیلی عالی کار کرده اند که بنده به همه آنها خسته نباشید می گویم. و امیدوارم که در کار خود موفق و موید باشند.

تا به حال چه مسئولیت هایی در فدراسیون شمشیربازی ایران داشته اید؟

بنده در مسافرت های مختلف تیم ملی در مقام سرپرست، سرمربی یا مربی شرکت می کردم. ناگفته نماند که قبل از انقلاب بنده در چند مسابقه بعنوان سرپرست شرکت کردم، بعنوان مثال یک تیم را برای شرکت در کاپ مارتینی به انگلستان بردم، و از آنجا به مونیخ عزیمت کردیم که در آنجا دو مسابقه برگزار می شد، که یکی در رده جوانان در ۲۰۰ کیلومتری مونیخ و یکی در رده بزرگسالان در خود مونیخ بود. در فروردین ۱۳۵۷ نیز، در همان سالی که انقلاب اتفاق افتاد، تیم جوانان ایران را به مادرید اسپانیا برده بودیم.



پس از انقلاب نیز اعزام هایی انجام شد که من بعنوان سرپرست شرکت کردم مانند هلند که ۱۵ روز اردو در شهر لیل فرانسه داشتیم و از آنجا به شهر لاهه هلند برای شرکت در مسابقات رفتیم. در مسابقات آسیایی ژاپن و تایلند من بعنوان مربی شرکت کردم.

پس از این آخرین اعزام فعالیت های بنده در شمشیربازی به اتمام رسید و به دلیل گرفتاری های خانوادگی ناشی از بازنشستگی و نارسایی های موجود در فدراسیون به سبب تعویض مکرر روسا، که همه فاقد اطلاعات شمشیربازی بودند، متأسفانه شمشیربازی را کنار گذاشتم تا به امروز.

نظر شما در مورد عملکرد تیم سابر و مربی آن پیمان فخری ایران در دهه اخیر چیست؟

جواب این سوال کمی مفصل است. فدراسیون ۲ سال قبل از بازی های آسیایی ۲ مربی روس به نام های بیچکوف و تولاکوف استخدام کرد تا تیم را برای مسابقات آسیایی آماده کنند. بیچکوف که سابر آموزش می داد مربی بسیار قابل بود و تعداد زیادی شاگرد برجسته تحویل تیم ملی داد از جمله آقایان حمید فتحی، اسماعیل پاشاپور، منوچهر شفائی، احمد اسکندرپور و...

پس از راه اندازی مجدد فدراسیون بعد از انقلاب، تعداد زیادی از این بزرگواران در اقصاء نقاط ایران و جهان پراکنده شده بودند ولی جناب آقای فتحی که مربی بسیار قابل هستند و در آن زمان در ایران تشریف داشتند، تعداد زیادی شاگرد تربیت کردند و تجربیات خود را به این شاگردان منتقل نمودند. یکی از این شاگردان با استعداد یعنی آقای پیمان فخری، هم بازیکن و هم مربی بسیار توانایی بود که ایشان نیز به نوبه خود آموخته های خود را به شاگردان بعدی که همین اعضاء فعلی تیم هستند منتقل نمودند.

نظر شما در مورد ۲ رشته فلوره و ایه چیست؟

در حال حاضر به دلیل نبود مربیان قوی و به روز متأسفانه وضعیت این دو اسلحه بسیار ضعیف می باشد.

نظر شما در مورد اولین مدال قهرمانی جهان شمشیربازی ایران چیست؟

این اتفاق باعث افتخار ایران است و امیدوارم ادامه داشته باشد.



دنیای پر رمز و راز شمشیربازی از صمیم قلب از استاد صادق طیبی بنیانگذار شمشیربازی اصفهان سپاسگزار است. برای ایشان آرزوی تندرستی و طول عمر داریم تا نسل آینده بتوانند از تجربیات این چهره ماندگار حداکثر بهره را ببرند. ممنون استاد!

<http://doniayeshamshir.ir/>